

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۰۸ اکتوبر ۲۰۱۴

نصایح سودمند علمای قوم به قارون

مؤرخین می نویسند: قارون از نواسه های حضرت یعقوب و مطابق به برخی روایات از جمله اقارب و خویشاوندان نزدیک حضرت موسی علیه السلام به شمار می رفت.

زمانی که قارون به حضرت موسی علیه السلام ایمان آورد مرد فقیر، مسکین و ناداری بود، ولی شخصی خوش اخلاق متواضع و از باران صمیمی و نزدیک موسی علیه السلام به شمار می رفت.

قارون با گذشت زمان صاحب سرمایه عظیمی می گردد، و به حیث یکی از ثروتمندترین اشخاص در عصر خویش مبدل می شود، ولی دیری نمی گذرد که مورد آزمایش و امتحان الهی قرار گرفت، قارون با کسب سرمایه خصلت شیطانی خویش را آشکار ساخت و دست به بغاوت زد و حالت کفر و عناد را در پیش گرفت.

قارون و سامری هر دو دارای یک خصوصیت مشترکی بودند، آنان به ظاهر ایمان آورده بودند ولی در وضعیتی که توانائی مالی و فرهنگی پیدا کردند، کفرشان را آشکار کردند.

طوری که در فوق یاد آور شدیم قارون با اندوختن ثروت آهسته، آهسته از ایمانداری، از تقوا و پرهیزگاری فاصله گرفت و در نهایت امر حتی از متابعت حضرت موسی علیه السلام و دوستی به آن هم برید، این فاصله و عناد قارون به حدی رسید که عملاً به دشمنی علنی با حضرت موسی علیه السلام پرداخت.

ولی موسی علیه السلام از دشمنی و عداوت قارون نهراسید و در یک زمان به مبارزه و جهاد قهرمانه خویش علیه زورگویی فرعون، و زر و زیور قارونی و تزویر و فتنه سامری پرداخت.

حضرت موسی علیه السلام در برابر ستم قدرتمندان سیاسی و ثروتمندان اقتصادی و فریب حيله‌گران فرهنگی ایستاد و مردم را به راه راست و صراط مستقیم و هدف تکامل شخصی و اجتماعی هدایت کرد.

نصیحت قوم به قارون:

خبرخواهان، موی سفیدان وزعمای قوم قارون زمانی که انحراف، تکبر، بغاوت و سر کشی قارون را مشاهده نمودند، مطابق به احکام دینی به امر بالمعروف ونهی عن المنکر به نصیحت قارون پرداختند و علناً از او خواستند که از بغاوت و تکبر دست بردارد و به مال و متاع دنیا مغرور نگردد و با تمام صراحت برایش از عدم فایده مال دنیا یاد آور شدند، ولی قارون چنان در مستی مال و ثروت دنیا غرق گردیده بود، که به این نصایح گوش فرا نمی داد و نصایح سودمند قوام بر آن اثر نمی کرد .

قرآن عظیم الشان این نصایح پنج گانه قوم را به قارون با زیبایی خاصی چنین بیان می دارد:

« إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (٧٦) وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٧٧) (سوره قصص آیات ٧٦-٧٧) »

۱- قوم به قارون می گوید: متکبرمغرور و مست و خوشحال مباش، زیرا پروردگار با عظمت متکبرین و مغرورین را دوست ندارد .

۲- تو با آنچه که خداوند به تو (در دنیا) نعمت داده است سرای آخرت خود را به دست آور و مهیا ساز.

۳- و سهم خودت را از دنیا فراموش نکن چرا که هر انسانی محدود است و به طور محدود در دنیا زندگی می کند و سهم محدودی از دنیا دارد، پس باید در این مدت زمانی محدود سخت بکوشد تا سهم خود را از نعمت الهی در آخرت مهیا سازد.

۴- و همانگونه که خداوند بر تو احسان و نیکی نموده تو نیز احسان و نیکی کن.

۵- و در زمین در پی فساد مباش، زیرا خداوند فساد کاران را دوست ندارد.

ولی قارون متکبر به این نصایح خبرخواهان مبلغین گوش فرا نداد بالعکس در جواب آنان گفت :

من این دارائی را از علمی که نزد من وجود دارد به دست آورده ام موجودیت مال و ثروت من ارتباطی با الله و داد الهی ندارد.

قارون مغرور مال و سرمایه خویش گردید، گذشته خویش را فراموش کرد که خداوند قبل از او از نسل های گذشته اشخاصی را که نسبت به قارون هم ثروتمند تر بودند و در مقابل وحدانیت خدا بغاوت کردند به هلاکت رسانیده است؟! غرور و تکبر قارون به حدی بود که هیچ توجهی به نصایح بزرگان، رهبران و دانشمندان و در نهایت امر به تاریخ گذشتگان به عمل نیاورد و با غرور و تکبر زیاد با تمام زیورها و زینت هایش به نزد قوم می آمد و با نشان دادن ثروت خویش بر جهل خویش می افزود.

می گویند گنج هائی که قارون در اختیار داشت ، کلید این در ها توسط تعدادی از پهلوانها حمل و محافظت می گردید «آتیناه من الكنور ما ان مفاتحه لتنوء بالعصبة اولی القوة» (سوره قصص: ٧٦) او تمام دارائی اش را در برابر قومش به نمایش می گذاشت و به مال و دارائی خویش می بالید .

تعدادی از پیروان حضرت موسی زمانی که گنج و ثروت قارون را می دیدند در بین خود می گفتند : ای کاش، ما هم از این نعمت ها بهره ای داشتیم. کار خلافی نکردند مرتکب حرامی نشدند، فقط وقتی این همه جواهرات و دارائی را دیدند به هوس افتادند: «یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون انه لذو حظ عظیم.» (سوره قصص: ٧٩)

ولی زمانیکه قارون با عذاب الهی مواجه شد و تمام دارائی اش در قعر زمین فرو رفت، این عده به خود آمدند و گفتند: عجب اشتباهی کرده بودیم، اگر ما هم اموالی مثل او داشتیم امروز به همین مصیبت مبتلا می گشتیم، گوئی خدا بر هر که بخواهد رزقش را گشاده می گرداند و گوئی خدا کافران را سعادتمند نمی کند، «و اصبح الذین تمنوا مکانه بالامس یقولون ویکان الله یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر لولا ان من الله علینا لخسف بنا ویکانه لا یفلح الکافرون.» (قصص)

ولی در مقابل علماء رسالت تبلیغ و ارشاد در بین قوم را فراموش ننموده در خطاب به قوم می گفتند : ! ای مردم فریب این ثروت را که بقاء ندارد نخورید و به یاد داشته باشید که پاداش خداوند برای کسی که عمل شایسته انجام دهد بهتر از دارائی‌های قارون است چرا که دارائی‌های قارون، فانی و تمام شدنی است ولی پاداش الهی، جاودان و همیشگی است و هیچکس به پاداش الهی نمی‌رسد مگر این که به خداوند ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و در راه ایمانش بر دبار باشد . چشم حرص آدمی را یا قناعت پُر کند یا خاک گور.

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره-جرمنی